

کامپیوتر و نظام مالیاتی

یافتن پاسخ برای چند پرسش اساسی

چند سال پیش، از یک کارشناس سازمان امور مالیاتی کشور درباره نحوه ارزیابی قیمت اجاره‌بهای یک خانه کلنگی پرسیدم. او در پاسخ آن واحد مسکونی را با خانه‌ای که در اجاره سفیر یک کشور ثروتمند بود مقایسه و مشابه آن ارزیابی کرد. این مقایسه _ که به دلیل تفاوت محل و مساحت و معماری و قدمت ساختمان تردیدهایی را در رعایت عدالت مالیاتی به وجود می‌آورد _ پرسشهای اساسی‌تر دیگری را مطرح می‌ساخت که پاسخ به آنها را شایسته بود از زبان مسئولین سازمان امور مالیاتی و یا وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌شنیدیم. این پرسشها از آن دست پرسشهایی هستند که بسیاری از مردم به پاسخ آنها نیاز دارند و بحث درباره آنها می‌تواند در پویاتر کردن اقتصاد کشور و ایجاد تحولی اساسی در فرهنگ اقتصادی مردم سودمند باشد. از همین روی، یافتن این پاسخها را یک وظیفه مطبوعاتی خود می‌دانستیم و بارها با روابط عمومی سازمان امور مالیاتی تماس گرفتیم تا کسی را بیابیم که به این پرسشها پاسخ بدهد، اما موفق نشدیم. یک پرسش ما این بود: برای این که دریابیم که سازمان امور مالیاتی برای واحدهای اقتصادی مشابه عدالت را رعایت می‌کند یا نه، آیا یک سیستم کامپیوتری ویژه طراحی شده است؟

خوشبختانه، چند سال بعد، همچنان که در شماره گذشته آوردیم، رئیس جمهور محترم در اواخر فروردین ماه سال جاری این پرسش ما را _ که بسیاری از مردم نیز آن را می‌پرسند _ به گونه‌ای دیگر به صورت نمادین مطرح کرد:

«تلاش کردیم که شبکه مالیاتی کشور کامپیوتری شود و درآمد اشخاص در هر نقطه‌ای ثبت و براساس آن مالیات گرفته شود، اما هر بار سراغ اجرای آن رفتیم دیدیم که دست‌های فراوان نشسته‌اند تا مانع از اجرای این طرح شوند. به وزیر اقتصاد گفتیم که چرا دو کارخانه که یک چیز تولید می‌کنند و به یک اندازه تولید خود را فروخته‌اند، علت چیست که یکی ۳۰۰ میلیون تومان مالیات داده است، اما کارخانه دیگر ۳ میلیون تومان هم مالیات نداده است. نظام مالیاتی فعلی عامل سوءاستفاده است.»

مشابه این پرسش را خبرنگار خبرگزاری موج (اردیبهشت ۱۳۸۷) به گونه‌ای دیگر از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌پرسد:

«پرسش: عدم شفافیت در ساختارهای اقتصادی پیرامون مسائل خرد و کلان، اشکالات و موانع عمده‌ای را برای توسعه کشور به وجود آورده است برای رفع این مانع چه راهکارهایی به نظر شما کاربردی و قابل اجراست.»

پاسخ: ما در پایان دولت خودمان طرحی را ارائه دادیم به نام کد اقتصادی. رسالت این طرح شفاف‌سازی اقتصادی در کشور بود و معاملات به صورت زیرزمینی قابل انجام شدن نبود و هر فعالیت اقتصادی نیازمند داشتن کد اقتصادی بود و دولت حق نداشت بدون داشتن کد اقتصادی به کسی خدمات یا کالا بدهد یا بگیرد. این مسأله در قانون هم وارد شد، اما اجرا نشد، من فکر می‌کنم با اجرای آن این مسئله به راحتی حل و فصل می‌شود. الان بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی است و نه حسابرسی وجود دارد و نه مالیات مشخصی وجود دارد و این مسئله بسیاری از محاسبات را در برنامه‌ریزی‌ها و مسائل مختلف دیگر به هم می‌زند، از طرف دیگر امتیازات کشور هم مشخص نمی‌شود و این مانعی برای تعامل جهانی هم می‌گردد.»

کد اقتصادی می‌توانست مقدمه کامپیوتری شدن نظام مالیاتی کشور گردد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معتقد است که کد اقتصادی هنوز هم قابلیت اجرا دارد. یک پرسش دیگر ما از سازمان امور مالیاتی این است که چرا اجرا نشد؟

یک پرسش اساسی دیگر ما این بود که چرا هر سه یا چهارسال _ چرخه‌ای که در حال کوتاه‌تر شدن است _ شاهد افزایش شدید قیمت زمین و ساختمان هستیم. تقدیر چنان بود که در مراسم تودیع وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی وقت، دکتر دانش‌جعفری، به گونه‌ای دیگر توسط وی از زبان دندان‌پزشک همسرش پرسیده شود (همان‌گونه که گفتیم مردم به پاسخ آنها نیاز دارند):

«سال گذشته خانم من برای نیاز دندانپزشکی، پیش یک خانم‌دکتری می‌رفت، بعد از چند جلسه خانم‌دکتر برای من پیغام داده بود. محتوای پیام این بود: «من ۳۰۰ میلیون تومان پس‌انداز دارم. آقای دکتر دانش‌جعفری مرا راهنمایی کند، با این پول چه باید بکنم؟» او گفته بود علاقمند به تولید است ولی

حوصله دوندگی ندارد. از طرفی نمی‌داند راه و روش تولید چیست؟ و در خاتمه گفته بود «اگر دکتر دانش‌جعفری جواب مرا ندهد، مجبورم بروم و یک تکه ملک بخرم.»

این واقعیت اقتصاد ماست، چرا نمی‌خواهیم

آن را بپذیریم. حتی من در همین وزارتخانه با یک پدیده مشابهی برخورد کردم. چند نفر از کارمندان ما با ابتکار خودشان جمع شده بودند هر کدام از ۱۰۰ هزار تومان تا چند میلیون گذاشته بودند و یک آپارتمان مشاع خریده بودند و گذاشته بودند تا قیمت بالا برود.» (خبرگزاری فارس، ۳ اردیبهشت ۱۳۸۷).

اگرچه وزیر محترم به پرسش دکتر محمود احمدی‌نژاد صریحاً پاسخ نداد، اما یک واقعیت مهم اقتصادی کشورمان را به صراحت بیان کرد. باید بپذیریم که خرید ملک در کشور ما به یک فرهنگ تبدیل شده است. توصیه به خرید ملک، نصیحت پدرها و پدرزیرگهای ما بوده است. حتی کشورهای دیگر هم به این واقعیت فرهنگ اقتصادی در کشور ما پی برده‌اند و با تبلیغات فراوان از طریق شبکه‌های متعدد ماهواره‌ای سعی می‌کنند از این فرهنگ به نفع خود بهره ببرند و بیابانهای خود را آباد کنند. پس ما چرا نخواهیم این واقعیت را بپذیریم (و از آن در جهت آبادانی بیابانهای خودمان بهره‌برداری نکنیم)؟ علتها را بیابیم که ریشه در گذشته‌های دور دارند. چرا بپذیریم که وزارتخانه‌هایی چون وزارت مالیه‌ای که در زمان قاجار تأسیس شد بد عمل کردند و نوعی بی‌اعتمادی تاریخی را در امور مالی بین مردم و دولت به وجود آوردند. عدم استفاده از مکانیسمهای جدید و تداوم بهره‌گیری از رویه‌های سنتی همچنان به این بی‌اعتمادی دامن می‌زند، به طوری که امروز حتی وزیر و کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز حاضر نیستند به آن خانم‌دکتر توصیه کنند که سهام کارخانه‌ای را بخرد که آن‌قدر سود داشته است که ۳۰۰ میلیون تومان مالیات داده است.

همان‌گونه که فعالیت‌های اقتصادی مردم باید شفاف باشد، فعالیت‌های سازمان امور مالیاتی نیز باید شفاف باشد و مالیات‌دهندگان قادر باشند که رعایت عدالت مالیاتی را دست‌کم از طریق رسانه‌ها بررسی کنند. به پرسشهایی می‌توان پاسخ نداد، اما گذشت زمان و تاریخ پاسخ بسیاری از آنها را، هرچند دیر هنگام، خواهد داد. کامپیوتر می‌تواند در ایجاد حس اعتماد نقشی مؤثر داشته باشد. پرسش رئیس جمهور نیز در واقع یک راه حل است: ایجاد سیستمی که به مردم اعتماد بدهد که عدالت مالیاتی رعایت می‌شود، یعنی هیچ‌کس نتواند ادعا کند که مالیات دو واحد اقتصادی مشابه تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. □